

کلام رهبر



مطالبات دانشجویی یادتان نرود!

محیط دانشجویی، محیط سیالی است؛ یعنی شما امروز دانشجویید، پنج سال دیگر اغلب‌تان دانشجو نیستید؛ یک گروه دیگری به جای شما دانشجویند. خوب، اینجا دو تا محیط برای استمرار هست؛ یکی خود شما هستید. شما به مجرد اینکه از محیط دانشجویی دانشگاه خارج شدید، یادتان نرود که در تشکل دانشجویی، در محیط دانشجویی، در کلاس درس، در یک چنین جلساتی چه می‌گفتید،چه‌می‌خواستیدو به‌عنوان آ‌زمان چه چیزهایی را مشخص می‌کردید؛!اینها را فراموش نکنید؛!اینها را نگه دارید. این یک مطلب است. ما یکی از آفت‌هامان همین است؛ آدم‌ها چند صبحایی در محیطی فرار می‌گیرند، رنگی به خودشان می‌گیرند، از آن محیط که دور شدند، مثل اهنی می‌شوند که از کوره بیرون بیآوری؛ تا توی کوره است، رنگش سرخ است، وقتی بیرون آوردید، تدریجاً رنگش به سیاهی می‌گراید؛!اینجوری نشوئند. از درون بچوشید. این فکرها را در دل تان ریشه‌دار کنید.

البته - در پرتناز عرض کنیم - راهش هم همین است که این راه ایمن دینی و به عقاید دینی وصل کنید. آنجاست که تکلیف الهی، انسان را هیچ‌وقت فارغ نمی‌گذارد. آنهایی که توانستند مبارزه کنند، آنهایی که توانستند طاقت بیاورند، آنهایی که توانستند در مقابل مشکلات سینه سپر کنند، آنها از این دستور العمل، از این نسخه بهره گرفتند؛ والا امروز شما دانشجویید و محیط دانشگاه هست و محیط جوانی است و گرم و گیرا و عدالت و آرمانخواهی و اینها بعد پس‌فردا از محیط دانشجویی که خارج شدید، همه چیز یا دفعتاً فراموش بشود یا به تدریج فراموش بشود. این درست نیست. این یک رمز برای استمرار است.

۱۷ مهر ماه ۱۳۸۶

تربویون دانشجویی

آسیب‌های دوره کارورزی

به دانشجو

مهدی شفیعی*

دانشنجویان دوره کارشناسی طولانی‌ترین و پرتلاطم‌ترین دوران دانشجویی را سپری می‌کنند، در این دوره اغلب دانشجویان در تمامی دانشگاه‌ها پس از آنکه بخشی از دروس مربوط به رشته خود را می‌گذرانند باید دوره‌های کارورزی را بگذرانند تا در این دوره‌ها بتوانند تجربه عملی و تخصصی در رشته مربوطه را کسب نمایند. این دوره‌ها از این جهت مفید هستند که دانشجویان علاوه بر اینکه دروس تئوری را فرا می‌گیرند با تجربه‌های عملی آشنا می‌شوند و دانشجویان صرفاً با یاد کردن یکسری دروس تئوری فارغ‌التحصیل نمی‌شود، اما این دوره‌ها انقدر که روی کاغذ تأثیر گذار و مطلوب هستند برای دانشجویان کارایی ندارند.

من به عنوان یک دانشجوی دوره کارشناسی مددکار اجتماعی در دانشگاه پس از گذراندن یکسری دروس تئوری از سال گذشته دوره‌های کارورزی را آغاز کردم و البته در کنار من تمام هم‌کلاسی‌هایم نیز این دوره را آغاز کرده‌اند. من و اکثر دوستانم اولین مسئله‌ای که در دوره کارورزی با آن مواجه شدیم «عدم جدی گرفته شدن» بود. متأسفانه مسئولان محل کارورزی‌ها، دانشجویان را جدی نمی‌گیرند و به آنها به چشم عواملی که آمده‌اند تا جلوی ددتی و پائی آنها را بگیرند می‌نگرند و معمولاً به همین دلیل جدی گرفته نمی‌شوند. دانشجویان کارورز را در مسائل واقعی که باید از آنها تجارب عملی کسب کنند دخالت نمی‌دهند و همین موضوع سبب می‌شود که دانشجویان به‌رغم گذراندن چنین تجربه‌ای، تجربه عملی چندانی نداشته باشند و نتوانند توانایی‌های مطلوبی کسب کنند که این موضوع می‌تواند از علل و عوامل بیکاری تحصیلکرده‌ها باشد.

مسئله بعدی هم شاید بسیاری از دانشجویان کارورز با آن روبروهمی‌شوند و می‌تواند بر روحیه آنها تأثیر منفی بگذارد مسئله بیکاری‌های نامربوط به رشته‌شان در محل کارورزی است. در برخی مواقع مسئولان کارورزی مسئولی از کارهای نامربوط و حتی شخصی خود را به دوش کارورزان می‌اندازند. این موضوع نیز باعث شده است که دانشجویان کارورز نتوانند بهره لازم را از دوره کارورزی ببرند.

این مشکلات از آنجا ناشی می‌شود که اساتید و سرپرستان دوره‌های کارورزی نظارت لازم را بر دوره‌های کارورزی ندارند تا آنجا که حتی پیش آمده سرپرست دوره کنشاورزی حتی یکبار هم به محل کارورزی دانشجویان تحت نظرش مراجعه نکرده و کاملاً از وضعیت آنها بی‌اطلاع بوده‌است و صرفاً بر اساس یک توصیه‌نامه مسئولان محل کارورزی و گزارش دانشجویان این دوره رازریایی کرده‌است.

مسئله بعدی هم با قافه برنامه بودن دوره کارورزی است به طوری که دانشجویان وقتی با به این دوره‌ها می‌گذرانند نمی‌دانند که چه چیزی در انتظار آنهاست و هر کسی تقریباً تجربه‌ای متفاوت و منحصر به فرد از این دوره دارد که نشان از رابطه محور بودن دوره‌های کارورزی به جای ضابطه محور بودن آن دارد که این موضوع هم یک خطر برای آینده دانشجویان است چراکه آنها در اولین تجربه عملی خود با این موضوع مواجه می‌شوند که با رابطه بازی جلو بروند و به ضوابط پایبند نباشند.

«فعال دانشجویی رشته مددکاری اجتماعی

گزارش حسن رضایی



در هیاهوی پلاسکو، در سیستان و بلوچستان هم سیسل آمده بود؛ شهدای عزیز پلاسکو البته خیلی مظلوم بودند، ولی همه اینها دلیلی برای ندیدن سیسل سیستان نیست. یکی از خبر نگاران که به منطقه اعزام شده بود، در توصیف وضعیت مردم پس از وقوع سیل نوشت: «حجم تخریب و فلاکت و اوضاع سیلز دگان در مناطق جنوبی استان سیستان و بلوچستان فراتر از تصور است. انگار این مردم فراموش شدگانی هستند که در برآوردهای مسئولان استانی، وضعیت آنها درست برای مسئولان در پایتخت تشریح نمی‌شود. حدود ۴ هزار خانه که عمدتاً خشتی و گلی یا کبری است در این استان در جریان دو سیل اخیر، به کلی تخریب شده است. به این رقم تعداد بیشتری از مردم را اضافه کنید که خانه‌هایشان نیازمند تعمیر است. این حجم تخریب باعث شده در مناطق روستایی هم مردم عمدتاً وضعیت اقتصادی پایینی دارند، فعلاً در چادرهای هلال احمر اسکان پایند.» محسن اسلام‌زاده در ادامه گزارش کوتاه خود نوشته‌است: «کنکته تأسّف بار در این زمینه این است که فلاکت موجود در میان مردم در این مناطق باعث شده آنها چادرهای هلال احمر را که در اختیار آنها قرار می‌گیرد به مبلغ ۱۰ هزار تومان بفروشند تا پولی به دستشان برسد و خانواده خود را اداره کنند.» در میان

همه این سختی‌ها اما جهاد گرانی بودند که دوشادوش مردم سیستان با سیل و سختی‌های پس از آن جنگیدند. گروه‌های جهادی بسیج سازندگی، هر آنچه در توان داشتند، گذاشتند تا آلام مردم سیل زده، کمتر و کمتر شود. با این حال، موضوع بحث ما نه سیسل سیستان است نه گروه‌های بسیج سازندگی! موضوع مهم و مورد بحث ما در این مجال، حضور گروه‌های جهادی دانشجویی در جریان کمک‌رسانی به سیل‌زدگان است. دانشجویان بسیجی البته پیش از این بارها و سال‌ها برای کمک به مردم مناطق محروم، مشقت‌سفرهای جهادی را بر خود هموار کرده‌اند. تمایز حضور دانشجویان در سیل سیستان اما اقدام در لحظه بود. گروه‌های جهادی دانشجویی به فاصله کوتاهی از وقوع سیل سیستان، ضمن حضور در کنار دیگر گروه‌های جهادی بسیج، با دادن فراخوان‌های رسانه‌ای، اقدام به جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردمی برای سیلز دگان نمودند. آنها درست در جایی که باید، حضور داشتند و این بسیار ارزشمند و ستودنی است. نه از آن جهت که آنها کار خوبی کرده‌اند، بلکه از آن حیث که این بار جهت‌گیری تصمیمات تشکل‌های دانشجویی به سمت موضوعات روز در حوزه‌های غیر سیاسی رفته است. تغییر این نگاه، شاید ارزشش از کمک به مردم سیل‌زده سیستان هم بیشتر باشد! چرا؟ برای اینکه نهادینه شدن

این تغییر نگاه در تشکل‌ها و سرایت آن به دیگر مجموعه‌های دانشجویی، زمینه‌ساز خلق صحنه‌هایی به مراتب زیباتر و بزرگ‌تر از کمک‌رسانی دانشجویان به سیل‌زدگان سیستان خواهد بود. نگاهی به نقش قشر دانشجو در تاریخ انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده جایگاه کلیدی این قشر در تاریخ پر فراز و نشیب انقلاب اسلامی است. انقلاب فرهنگی از متن دانشگاه کلید خورده است و انقلاب دوم نیز به وسیله دانشجویان پدید آمده‌است.

سؤال این است که در شرایط کنونی که معضل اقتصادی مسئله اول مردم است، چرا تشکل‌های دانشجویی نباید برای حل آن قدمی بردارند؟ دانشجویان از معدود گروه‌های نخبه اجتماعی هستند که از محبوبیت بی‌شائبه‌ای در نزد عموم مردم برخوردارند. سؤال این است که تشکل‌های دانشجویی به عنوان نخبگان پیشرو در مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی، تا به حال، از این محبوبیت اجتماعی خدادادی چه استفاده‌ای کرده‌اند؟ به بیسان دیگر، چرا تشکل‌های دانشجویی برای مخاطبان بی‌شمار خود در بیرون از دانشگاه‌ها، برنامه مدونی ندارند و دیگر اینکه چرا تشکل‌های دانشجویی، اینقدر از متن مردم دور هستند؟ مگر نه اینکه مردم فوق‌العاده دانشجویان را دوست دارند؟ پس چرا ارتباط مستقیمی - از طریق تشکل‌های دانشجویی - بین این دو وجود ندارد؟ چندین

تشکل‌های دولت ساخته از گذشته تاکنون

منتظر باطبی‌ها و طبرزدی‌ها باشید!

خود جذب کند.

دولت برای آنکه بتواند در مقابل جریان اصیل دانشجویی بایستد سعی می‌کند با طرح استدلال‌هایی همچون اینکه مسئولان دولت از انقلابیون و مورد تأیید امام(ره) و رهبری‌اند، پس نمی‌بایست نسبت به آنها انتقاد کرد، اقدام به تخطئه جنبش دانشجویی کرده و هر گاه انتقادی از نهاد دانشگاه و دانشجو شنیده می‌شد جدای از درست یا نادرست بودن، به آن برچسب ضدولایت فقیه می‌زدند. تا آنجا که در همین برهه و در آبان ماه سال ۷۲ رهبر معظم انقلاب با هدف تبیین دیدگاه واقعی ولایت فقیه نسبت به فعالیت سیاسی دانشجویان و از یک سو عدم تأیید سواستفاده سیاسیون چپگرا از محیط دانشگاه و از سویی دیگر تخریب جریان راست دولتی در عدم بیان دیدگاه‌های انتقادی دانشجویان بیان می‌دارند: «بنده دلم می‌خواهد این جوانان را رابطه با دانشجویان، چه دختر، چه پسر... روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف واقع باشد؛ باشد خدا کند آن دست‌هایی را که تلاش کرده‌اند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه‌ها را غیرسیاسی کنند. کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند،

خود جذب کند.
دولت برای آنکه بتواند در مقابل جریان اصیل دانشجویی بایستد سعی می‌کند با طرح استدلال‌هایی همچون اینکه مسئولان دولت از انقلابیون و مورد تأیید امام(ره) و رهبری‌اند، پس نمی‌بایست نسبت به آنها انتقاد کرد، اقدام به تخطئه جنبش دانشجویی کرده و هر گاه انتقادی از نهاد دانشگاه و دانشجو شنیده می‌شد جدای از درست یا نادرست بودن، به آن برچسب ضدولایت فقیه می‌زدند. تا آنجا که در همین برهه و در آبان ماه سال ۷۲ رهبر معظم انقلاب با هدف تبیین دیدگاه واقعی ولایت فقیه نسبت به فعالیت سیاسی دانشجویان و از یک سو عدم تأیید سواستفاده سیاسیون چپگرا از محیط دانشگاه و از سویی دیگر تخریب جریان راست دولتی در عدم بیان دیدگاه‌های انتقادی دانشجویان بیان می‌دارند: «بنده دلم می‌خواهد این جوانان را رابطه با دانشجویان، چه دختر، چه پسر... روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف واقع باشد؛ باشد خدا کند آن دست‌هایی را که تلاش کرده‌اند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه‌ها را غیرسیاسی کنند. کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند،



آیا ماندن در دانشگاه و بسنده کردن به اعلام موضع، سقف ظرفیت یک تشکل دانشجویی انقلابی است؟!

چرای دیگر می‌توان به سؤالات پیش گفته افزود. با این حال خوب است دوباره به مسئله سیل سیستان بازگردیم.

گروه‌های جهادی دانشجویی پس از آن مقطع نیز سیل‌زدگان را راه‌نکردند و اعلام کردند: «گروه‌های جهادی در حال برنامه‌ریزی برپایی غرفه در مسیر راهپیمایی روز ۲۲ بهمن و جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیر نقدی به سیل‌زدگان سیستان و بلوچستان هستند.» آنها بعدتر بر برنامه‌ریزی مسئولان اردوهای جهادی برای حضور عیدانه گروه‌های جهادی در مناطق سیل‌زده و بازسازی این مناطق نیز تأکید کردند.
بسر اقدام دانشجویان جهادی نمی‌توان قیمتی نهاد؛ با این حال، این حجم از فعالیت و حضور اجتماعی تشکل‌های دانشجویی در متن اجتماع، ابدأ کافی نیست. این مسئله وقتی واضح‌تر می‌شود که بدانیم رهبر فرزانه انقلاب طی دیدار اخیر خود با مجموعه‌های دانشجویی، با تأکید بر اهمیت موضع‌گیری تشکل‌های دانشجویی در مسائل مهم کشور تصریح کردند: «می‌توان باروش‌های دیگر از جمله سخنرانی نمایندگان تشکل‌ها پیش از خطبه‌های نماز جمعه شهرهای بزرگ، این مواضع را به گوش جامعه نیز رساند.»

وقتی رهبر فرزانه انقلاب بر خروج و تأثیرگذاری تشکل‌های دانشجویی در بیرون از محیط دانشگاه تأکید دارند، به راستی با کدام توجیه باید به حضور در فضای دانشگاه و تأکید صرف بر فعالیت سیاسی، فعالیت دانشجویی درست گفت؟ سؤال این است که آیا تشکل‌های دانشجویی نباید در زمینه مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجود در فضای عمومی اجتماع احساس مسئولیت کنند؟ و مسئله دیگر اینکه آیا به راستی، ماندن در فضای داخلی دانشگاه و بسنده کردن به اعلام موضع در قبال تحولات سیاسی - اجتماعی سطح جامعه، سقف ظرفیت‌های موجود در یک تشکل دانشجویی انقلابی است؟ طبیعتاً جواب این سؤالات منفی خواهد بود. واقعیت این است که تجربه ۳۸ ساله انقلاب اسلامی نشان داده است فعالیت تشکل‌های مردمی در زمینه‌های گوناگون، بازدهی به مراتب بیشتر از فعالیت‌های دولتی خواهد داشت. این همه مسئله اقتصادی و اجتماعی روی زمین مانده در سطح کشور داریم و به راستی کدام تشکل مردمی از تشکل دانشجویی، موفق‌تر و محبوب‌تر است برای انجام این کارها؟ خوب است فعالان تشکل‌های دانشجویی از خود پرسند که آیا زمان پوست‌اندازی تشکل‌های دانشجویی فرا نرسیده‌است؟!

حرف استاد

اصلی‌ترین دلیل ازدیاد

پایان‌نامه‌فروشی



دکتر علی‌اکبر اختری

رئیس دانشگاه صنعتی کرمانشاه

طبیعی است که در مسیر اخذ این مدارک، دست به هر کاری از جمله خرید پایان‌نامه هم می‌زنند.

در یک جامعه علمی با شرایط استاندارد از کسی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری است انتظار می‌رود که سالانه حداقل دو مقاله علمی بنویسد، اما وقتی این افراد برای اخذ مدرک دانشگاهی خود پایان‌نامه‌شان را هم ننوشته‌اند چگونه می‌توان انتظار داشت که در آینده سالی دو مقاله علمی برای کمک به پیشرفت علم در کشور بنویسند.

از سویی دیگر نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که ما در کشورمان بیشتر به تکنسین احتیاج داریم تا افرادی با مدارک تحصیلی بالا اما بدون کارایی. به عنوان مثال در رشته دانشگاهی خود من که ساختمان‌است، امروزه در سطح کشور بیش از هر چیز به فوق دیپلم نیاز داریم تا سر پروژه‌ها حاضر شوند و در کنار کارگران و بناها حضور یافته و به نظارت مستمر بپردازند، نه اینکه کارشناس ارشد و دکتری که تأثیر چندانی بر روند کار پروژه‌ها ندارند.

رشد روزافزون دانشگاه‌های اقماری و غیرانتفاعی یکی دیگر از مواردی است که به این مقوله دامن زده است. به عنوان مثال افراد به راحتی و بدون تکنور می‌توانند در بهترین رشته‌های ممکن ثبت‌نام کنند و تا مقطع ارشد و دکتری هم پیش بروند و طبیعی است در چنین دانشگاه‌هایی چندان به مقالاتی همچون خرید و فروش پایان‌نامه توجه نمی‌شود.

اصلی‌ترین دلیل ورود مقوله پایان‌نامه‌فروشی در کشور، موضوع مدرک‌گرایی است و اگر بتوانیم معضل مدرک‌گرایی را در کشور حل کنیم، یقیناً مقوله پایان‌نامه‌فروشی هم حل خواهد شد.

روایت دانشجویی



بحران آخر سال

مریم کمالی‌نژاد

دانشگاه، تاریخ تعطیلی خوابگاه ۲۶ اسفند اعلام کرده است و خیلی جدی هشدار داده که جز دانشجویان خارجی، کسی حق ماندن در خوابگاه را ندارد. خبیر، بارها در همه بخش‌های دانشکده اعلام شده، روی تمامی تابلوها نصب شده و هر وقت وارد سایت دانشگاه شوی، پیغام روز تعطیلی خوابگاه را قبل از هر چیزی نشانت می‌دهد. غصه‌ام می‌شود و استرس دوباره جنگ می‌زند به دلم. آخر سال است و باید بمانم و کارهای باقی‌مانده شغل نیمه‌وقتم را تمام کنم و پروپوزال را هر طور شده به یک سامانی برسانم. کجا باید بمانم؟ تصمیم می‌گیرم بروم اداره خوابگاه‌ها و با مسئولش صحبت کنم، شاید...

از در که وارد می‌شوم، شلوغی اتاق متعجبم می‌کند. دانشجویهای دختر جمع شده‌اند دور میز مسئول خوابگاه‌ها و چک و چانه می‌زنند که تاریخ تعطیلی خوابگاه خیلی زود است و آنها هنوز کار دارند و حداقل تا ۲۸ اسفند اجازه دهند که بمانند و در غیر این‌صورت خیلی اوضاع‌عشمان بحرانی می‌شود.

دختری که معلوم است بسیار مضطرب است و بریده بریده حرف می‌زند، می‌گوید: خانوادهاش از شهرستان دارند می‌آیند دنبالش که بروند خانه عموش که در شهرستان دیگری است و بر نامه‌شان این است که شب ۲۷ اسفند بیایند دنبالش او و نمی‌دانن این یک روز را باید کجا برود و چه کار کند. دختر دیگری سرش را تکان می‌دهد که می‌دهد که مشکلم یک شب و دو شب بود و ساکت می‌شود. جلوتر می‌روم که ببینم مسئول خوابگاه چه توضیحی دارد می‌دهد. سر و صدا انقدر زیاد است که به سختی صدایش را می‌شنوم که همان جملات تکراری را دارد تحویل‌مان می‌دهد که مأمور است و معذور و این بخشنامه برای همه خوابگاه‌هاست و هیچ تبصره‌ای ندارد و او کاری از دستش بر نمی‌آید جز اینکه همه‌مان پای این بر که اعتراض را امضا کنیم تا او حرف‌مان را به گوش مسئولان بالاتر برساند و ره تصمیمی هم که گرفته شود، قطعاً به نوزده امسال نمی‌رسد و مربوط به سال آینده است. دخترها دوباره شروع می‌کنند به چانه زدن، اما من حاقلم می‌دانم که راهی نیست و اثری ندارد، باید بروم برای خودم جایی برای دو شب آخر دست و پا کنم. یک آمده‌اند بکوبد باید در آینده‌ای نزدیک منتظر ظهور افرادی همچون باطبی، عضو سابق انجمن‌های اسلامی مورد حمایت اصلاح‌طلبان و دولت دوم خرداد که از کشور فرار کرد و همراه برخی از هم‌قهارانش در نامه‌ای خیانت بار به ترامپ پیشنهاد تحریم بیشتر ایران را مطرح کرد یا حجت‌الله طبرزدی که از دامن انجمن‌های اسلامی دانشجویی مورد حمایت دولت‌سازندگی رویید و بعدها لیبرال شد و مبانی اسلامی را زیر سؤال برد بود.